



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی



واژه‌نامه

بوعلی: ابوعلی سینا، پزشک و دانشمند ایرانی

بستر: رختخواب (بستر بیماری: رختخوابی که بیمار در آن می‌خوابد).

بهبودی: تندرستی و سلامت، خرمی و سالم بودن، بهتر شدن حال بیمار

شکرانه: کاری که برای سپاس انجام می‌شود، مبارکی

رحمت: لطف و مهربانی

سپیده‌دم: سحرگاه، صبح، زمان برآمدن سپیده، بامداد

گنجایش: ظرفیت، حجم

واگذار کن (واگذار کردن): بسپار

خواجه: آقا، بزرگ

با خون دل پرورش داده‌ام: با تلاش و رنج بسیار پرورش داده‌ام

نخستین: اولین

بیاموزی (آموختن): آموزش دهی

راه چندساله پیموده: به اندازه‌ی چند سال راه طی کرده و کار کرده

جهش: حرکت سریع (در اینجا یعنی پیشرفت سریع)

حیرت‌آور: تعجب‌آور، شگفت‌انگیز

طبيب: پزشک

بالین: بستر، رختخواب

به یک‌باره: ناگهان، یک‌دفعه

زمین‌گیر: ناتوان و بیمار، کسی که بیمار و بستری باشد و نتواند راحت راه برود و فعالیت کند.

تجربه اندوخت (اندوختن): تجربه به‌دست آورد

بیندوزم (اندوختن): ذخیره کنم، به‌دست آورم، کسب کنم

با روی گشاده: با خوش‌رویی

سرآغاز: ابتدا، آغاز، اوّل

نامدار: مشهور، معروف

شفا: بهبود یافتن

رویداد: اتفاق، حادثه

نقل می‌کرد: بیان می‌کرد، تعریف می‌کرد

دم به دم: هر لحظه

گویی: انگار، مثل اینکه، گویا



واژه‌نامه

به ستوه آمده‌ام: خسته شده‌ام، بی‌طاقت شده‌ام،

آزرده شده‌ام

یاری بجویم (جُستن): کمک بخواهیم

از کف داده بود: از دست داده بود

نگریست: نگاه کرد

زمزمه کرد: زیر لب سخن گفت، آهسته سخن گفت

نَگر (نگریستن): نگاه کن

ره به جایی بردن: رسیدن به جایی، به جایی دسترسی

یافتن

سرمنزل مقصود: هدف، آنچه منظور و هدف کاری

بوده است

بفوان و حفظ کن

کوهسار: کوهستان، کوهپایه

سنگِ سخت: سنگ محکم

گرم کرده: لطف و مهربانی کن، محبت کن

گران سنگ: سنگ بزرگ و سنگین

تیره‌دل: بداندیش، سیاه‌دل، نامهربان، سنگ‌دل

سخت سَر: مقاوم، سرسخت، لجباز

زورآزمای: کسی که قدرت‌نمایی می‌کند، کسی که

با دیگری دست و پنجه نرم می‌کند.

جُنُبم (جنبیدن): بجنبم، حرکت کنم

نشد ... سرد: دلسرد نشد، نا امید نشد

در اِستاد (در ایستادن): پافشاری و اصرار کرد

اِبرام: اصرار و پافشاری کردن در کاری

کاوید (کاویدن): تلاش کرد، کاوش کرد، جست‌وجو

کرد

سنگ خارا: نوعی سنگ سخت

ناید به بار: بار حاصل نمی‌شود، نتیجه‌ای به دست

نمی‌آید

سَهل: آسان

صفحه ۱۲۲ تا ۱۲۵ کتاب درسی



بوعلی / بستر / بهبودی / رحمت / الهی / نذر کرده‌ایم / قربانی / اتاق / افزود / عبدالله / ذهن / می‌خواستم /

واگذار کن / خواجه / بی‌انصافی / بیاموزیم / مدت / دلبستگی / حیرت‌آور / حقیقت / طبیب / خور و خواب /

زمین‌گیر / حیرت‌زده / سرآغاز / غرور / دقت / بیندوزم / نامدار / آسوده‌خاطر / بگذرد / تأمل / ماهر / نقل می‌کرد /

پشتکار / به ستوه آمده‌ام / تاب و توان / لطف / حفظ / زمزمه / سرمنزل مقصود

علم، نگر ره به کجا می برد

تا کره ی ماه، تو را می برد

نگاه کن که علم و دانش تا کجا می رود؛ تو را تا کره ی ماه می برد. (منظور این است که علم و دانش، تو را نادرترین نقاط می برد.)

هر کسی از علم و هنر، سود بُرد

راه به سر منزل مقصود بُرد

هر کسی که علم و هنر آموخت و از آن سود بُرد، به هدف و مقصود خود رسیده است.

۱ حسین با شنیدن پاسخ های ساده، آرام می شد. نادرست

۲ طبیب می کوشید با پاسخ های ساده و کودکانه او را آرام کند. درست

۳ تلاش حسین، حتی در زمان بیماری مادر هم، چشمگیر بود. درست

۱ دوراه دستیابی به شناخت و آگاهی، کدام است؟

خوب دیدن و خوب گوش دادن و فکر کردن، علم آموزی و تجربه اندوزی

۳ علت حیرت طبیب در برابر پرسش های حسین چه بود؟

پرسش های حسین مانند هم سن و سال هایش نبود. او دلش می خواست از اعل و علت هر چیز آگاه شود.

۴ این درس، چه پیامی دارد؟

با تلاش و پشتکار و تجربه آموزی، می توان به دانش بسیار دست پیدا کرد و به هدف اصلی خود رسید.

چشمه و سنگ

به ره گشت، ناگه به سنگی دچار

جدا شد یکی چشمه از کوهسار

چشمه‌ای از کوهستانی راه افتاد و در راه ناگهان به سنگی برخورد کرد.

«کرم کرده، راهی ده ای نیک بخت!»

به نرمی، چنین گفت با سنگ سخت:

با آرامش و ملایمت به سنگ سخت گفت: ای خوش بخت! لطف کن و به من راه بده [تا عبور کنم].

زدش سیلی و گفت: «دور ای پسر

گران سنگ تیره دل سخت سر

سنگ بزرگ نامهربان لجباز، به او سیلی زد و گفت: ای پسر دور شو!

که ای تو، که پیش تو جنم ز جای؟»

نخندیدم از سیل زور آزمای

من مقابل سیل زور آزما [که با من دست و پنجه نرم می کرد] حرکت نکردم، تو که هستی که برابر تو از جابم حرکت کنم؟

به کندن در استاد و ابرام کرد.

نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد

چشمه از جواب سنگ، دلسرد و ناامید نشد، و با پافشاری و اصرار شروع به کندن سنگ [و باز کردن راهش] کرد.

کز آن سنگ خارا، رهی برگشود...

بسی کند و کادید و کوشش نمود

بسیار کند و تلاش و کوشش کرد، تا آن سنگ را شکافت (سوراخ کرد) و راهی برای خود باز کرد.

که از یأس، جز مرگ، ناید به بار

برو کارگر باش و امیدوار

تو هم برو کار و کوشش کن و امیدوار باش، زیرا از یأس و ناامیدی فقط مرگ به دست می آید. (حاصل ناامیدی مرگ است).

گرت پایداری است در کارها

شود سهل، پیش تو دشوارها

اگر در کارها پایداری و مقاومت کنی، کارهای سخت هم برای تو آسان می شود.

محمد تقی بهار (ملک اشعر)

صفحه ۱۲۹ کتاب درسی



۱ در متن شعر، «چشمه» و «سنگ» با چه ویژگی هایی توصیف شده اند؟ چشمه: آرام، امیدوار، پرتلاش و با

پشتکار

سنگ: سخت و بزرگ، نامهربان، لجباز، خودخواه

۲ خوانش بیت دوم و چهارم چه تفاوتی با هم دارد؟ چرا؟ در بیت دوم، بیت باید به آرامی خوانده شود.

(این بیت در خواست و خواهش چشمه را از سنگ بیان می کند.)

بیت چهارم، با تندی و خشم و غرور خوانده می شود. (این بیت جواب گستاخانه و نامهربانانه ی سنگ به چشمه

است.)

